

واکاوی ارتباط مدت زمان سکونت با شکل‌گیری هویت مکان در توسعه شهری جدید^۱

مطالعه موردی: منطقه ۲۲ شهر تهران

پارسا ارباب^۲ - دکتری شهرسازی، دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران
محمد مهدی عزیزی - استاد دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران
اسفندیار زبردست - استاد دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۸/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۳/۱۹

چکیده:

مقاله حاضر به واکاوی ارتباط مدت زمان سکونت با شکل‌گیری هویت مکان در توسعه شهری جدید، نمونه منطقه ۲۲ تهران می‌پردازد. بر این اساس، تمرکز عمده بر مدت زمان سکونت در میان سایر معیارها یا عوامل مهم در فرآیند شکل‌گیری هویت مکان در توسعه شهری جدید، جهت‌گیری و سهم اصلی مقاله را به خود اختصاص می‌دهد. در سطح نظری و به واسطه دیدگاه‌ها و نیز پژوهش‌های شناسایی شده و مورد استناد در چارچوب هدف یادشده، ارتباط قابل توجه و در عین حال معنادار و مثبت مدت زمان سکونت با فرآیند فوق مبنی بر شکل‌گیری و توسعه تدریجی و مستمر هویت مکان در سایه پیوستگی، توالی و آن طور که عموماً یاد می‌شود، تداوم ارتباط متقابل (تعامل) ساکن و محل سکونت در گذر زمان، مورد تأکید قرار می‌گیرد. این در حالی است که در سطح تجربی نیز در ارتباط با مطالعه موردی شامل شهرک‌های دهکده المپیک، چشمه، راه‌آهن و صدرا، ارتباط معنادار و مثبت یادشده به واسطه بررسی و تحلیل داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن تأیید می‌شود. این ارتباط دارای ضریب همبستگی ۰/۸۴ برای ۶۳۸ نمونه مورد مطالعه، در مجموع است. بدین معنا که با افزایش مدت زمان سکونت، احراز و تشخیص هویت مکان از نقطه نظر ساکنانی که در یک توسعه شهری جدید سکونت خود را اختیار کرده‌اند، ارتقا می‌یابد. این یافته، گویای این است که مدت زمان سکونت عاملی کلیدی در فرآیند شکل‌گیری هویت مکان در توسعه شهری جدید است. ضریب این همبستگی در شهرک‌های دهکده المپیک، چشمه، راه‌آهن و صدرا به ترتیب ۰/۷۵ به ازای ۱۵۴ نمونه، ۰/۸۵ به ازای ۱۵۷ نمونه، ۰/۸۷ به ازای ۱۶۶ نمونه و ۰/۷۷ به ازای ۱۶۱ نمونه مورد توجه است. این چنین، شهرک‌های چشمه و راه‌آهن گویای همبستگی قوی‌تری در این زمینه نسبت به دو شهرک دیگر هستند. تخمین این ارتباط و ترسیم آن در قالب هر سه نوع رابطه خطی، توانی و لگاریتمی امکان‌پذیر بوده، اما مدل مبتنی بر رگرسیون خطی، از برازندگی بهتری نسبت به دو حالت دیگر برخوردار است.

واژگان کلیدی: شکل‌گیری هویت مکان، توسعه شهری جدید، مدت زمان سکونت، همبستگی معنادار و مثبت، رگرسیون خطی.

۵۹

شماره دوازدهم

پاییز ۱۳۹۳

فصلنامه علمی-پژوهشی

مطالعات شهرک

واکاوی ارتباط مدت زمان سکونت با شکل‌گیری هویت مکان در توسعه شهری جدید

۱ این مقاله برگرفته از بخشی از مطالعات رساله دکتری پارسا ارباب با عنوان «تبیین فرآیند شکل‌گیری هویت مکان در توسعه شهری جدید» می‌باشد که با راهنمایی دکتر محمد مهدی عزیزی و مشاوره دکتر اسفندیار زبردست، در دانشکده شهرسازی پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران انجام شده است.

۲ نویسنده مسئول مقاله: parsaarbab@ut.ac.ir

۱. مقدمه

راز و رمز و پیام‌هایی مبنی بر تأثیر متقابل محیط یا فضای ساخته شده (مکان) بر ذهنیات و رفتار انسان، همان مفهومی است که از آن در پژوهش‌های مختلف، با عنوان «هویت مکان»^۱ و سایر زمینه‌های معنایی - محتوایی مرتبط چون «این همانی»^۲، «روح مکان»^۳، «تشخص مکان»^۴، «معنای مکان»^۵، «حس مکان»^۶، «تعلق به مکان»^۷، «دلبستگی به مکان»^۸، «التزام به مکان»^۹، «ریشه‌داری در مکان»^{۱۰} و... یاد می‌شود. تمرکز بر مکان‌هایی است که مستقیماً توسط شخص می‌تواند مورد تجربه قرار گرفته و به صورت ذهنی برای او معنادار باشد، موضوعی که تاکنون توسط فیلسوفان، جغرافیدانان، روانشناسان، معماران، شهرسازان و سایر گروه‌ها جستجو شده است (مانند هایدگر، ۱۹۲۷؛ مرلو - پونتی، ۱۹۴۵؛ تولمن، ۱۹۴۸؛ لینچ، ۱۹۶۰؛ پروشانسکی، ۱۹۷۰؛ رلف، ۱۹۷۶؛ توان، ۱۹۷۷؛ کانتز، ۱۹۷۷؛ نوربرگ - شولتز، ۱۹۷۹؛ سیمون، ۱۹۸۰؛ گرومن، ۱۹۸۳؛ اشنایدر، ۱۹۹۰؛ لو و آلتمن، ۱۹۹۲ و کیسی، ۱۹۹۷). این در حالی است که تنوع جایگاه‌ها و چارچوب‌های نظری در مباحث تحقیقاتی در سراسر موضوعات مفهومی این حوزه، امروزه به این جهت گرایش یافته است که شکل‌گیری هویت مکان مبنی بر اینکه چگونه مکان‌ها، مکان شده و به عبارت دیگر معنادار و ممتاز می‌شوند، از چه فرآیند و سازوکاری برخوردارند و به علاوه، ارتباطات ساختاری میان ابعاد مختلف و قابل توجه این فرآیند چگونه است

(Lalli, 1992, 285-287; Smaldone, Harris, and Sanyal, 2005, 397; Azizi and Arbab, 2010, 48; Castello, 2010, 2-4; Qian, 1992, 170-171; Zhu, and Liu, 2011, 170-171).

در این میان، مقاله حاضر که برگرفته از پژوهشی از نظریه شهرسازی است، به مطالعه فرآیند شکل‌گیری هویت مکان می‌پردازد، موضوعی که به واسطه بستر مورد مذاقه یعنی توسعه شهری جدید، از جهت دیگر محدود و متمرکز می‌شود. ویژگی بارز و نقطه افتراق دیگر در این خصوص، واکاوی ارتباط مدت زمان سکونت با شکل‌گیری هویت مکان در توسعه شهری جدید است که در حکم مسئله و در عین حال، هدف کلیدی و انعکاس یافته در این مقاله است. مبتنی بر این مسئله و هدف کلیدی، پیش فرض نقش و جایگاه عامل زمان در فرآیند یادشده، مبنی بر وجود ارتباط قابل توجه و در عین حال معنادار مدت زمان سکونت با وضعیت شکل‌گیری، احراز و تشخیص هویت مکان از نظر ساکنان در توسعه شهری جدید، مورد توجه قرار گرفته است. بر این مبنای، جهت

گیری پژوهش، ابتدا در سطح نظری و با هدف کاربست در سطح تجربی و در ارتباط با مطالعه موردی (منطقه ۲۲ تهران) شکل گرفته است. این کاربست، مبتنی بر روش‌شناسی و جزئیاتی که از آن ارائه خواهد شد، به واسطه ارزیابی وضعیت احراز و تشخیص هویت مکان، تحلیل معناداری همبستگی مدت زمان سکونت و امکان سنجی نوع این ارتباط، دنبال شده و در نهایت مورد بحث و نتیجه‌گیری قرار می‌گیرد.

۲. مبانی نظری

از طریق تمرکز بر موضوع و جهت‌گیری نسبت به آن به واسطه تحلیل محتوا و سنتز نظریه‌ها و دیدگاه‌های مهم و نیز پژوهش‌های موردی قابل توجه و شناسایی شده که در بحثی سلسله وار در ادامه می‌آید، دستیابی و ارائه چارچوب‌هایی با هدف کاربست در زمینه حاضر، یعنی فرآیند شکل‌گیری هویت مکان در توسعه شهری جدید، هدف‌گذاری شده است. بر این اساس، پی‌ریزی چارچوب نظری تحقیق، تدقیق و تکمیل آن، محقق شده است. این مهم، مبتنی بر تبیین فرآیند شکل‌گیری هویت مکان در توسعه شهری جدید، شناسایی معیارها و عوامل مهم در این زمینه و نیز تمرکز ویژه بر نقش و جایگاه مدت زمان سکونت، انجام شده است. «پروشانسکی» معتقد به هویت مکان به عنوان زیرساختاری ادراکی از هویت شخصی و مبتنی بر ذهنیت فرد نسبت به محیط فیزیکی است. در چنین نظرگاهی، شکل‌گیری هویت مکان، فرآیندی ادراکی و شناختی مبنی بر قیاس و انطباق دائم میان عینیت و ذهنیت با هدف تعریف چستی و کیستی از نقطه نظر پیوستگی‌ها و در واقع دلبستگی احساسی به محیط‌های خاصی است. هسته این فرآیند، گذشته محیطی یا پشت صحنه ادراکی مبنی بر کم و کیف فضاهایی مشخص، مکان‌ها و ویژگی‌های آنهاست که به واسطه معیارهایی چون ارتباط با اجتماع، شناسایی و تشخیص، خوانایی و نیز رضایت‌مندی، قابل تبیین می‌باشد. این در حالی است که از نظر پروشانسکی، چنین تعبیری در قالب ثبات ادراک شده نسبت به فضا و مکان و کشف مفاهیم آشنا و ناآشنا، در بستر جریان چرخه زندگی، شکل گرفته و پی‌ریزی می‌شود. افراد در محیط‌های فیزیکی زمان صرف می‌کنند تا تطابق و رضایت‌مندی خویش را به واسطه تعامل، نتیجه بگیرند. شناخت مداوم جهان فیزیکی در طول زمان، حمایت‌کننده و اعتباربخش به تداوم فرد، هویت مکان و در نتیجه، هویت شخصی او است (Proshansky, 1978, 147; Proshansky, Fabian and Kaminoff, 1983, 59-74).

«رلف» معتقد است، هویت مکان در سایه تجربه مستقیم، درونی و درک معنای ابعاد فیزیکی محیط (فرم) و ابعاد اجتماعی محیط (فعالیت)، شکل می‌گیرد. هویت مکان، حاصل تجربه مستقیم فردی و اجتماعی بوده و همواره به یک همانندی و یگانگی مداوم که تمایز و تفاوت بخشی مشخص از فضا نتیجه آن است، ارجاع دارد. بنابراین خصلت اساسی هویت مکان، خلق درونی مجزا از بیرون، می‌باشد که بر تعلق از مکان به عنوان بخشی خاص از فضا و هویت مکان مبتنی بر تجارب عمیق و مستقیم، تأکید دارد. درجه درون بودن مبنی بر شدت تجربه مکان، مبنای نیرومندی و در

- 1 Place Identity
- 2 Identification (Identifying)
- 3 Spirit of Place
- 4 Personality and Character of Place (Distinctiveness)
- 5 Meaning, Sense and Significance of Place
- 6 Sense of Place
- 7 Belonging to Place
- 8 Attachment to Place
- 9 Commitment to Place
- 10 Rootedness in Place

واقع، وضعیت احراز و تشخیص هویت مکان است که از نظر رلف، فرآیندی تدریجی و ضمنی بوده، در کل زندگی و بستر زمان، تداوم دارد (Seamon and Jacob, 2008, 45; Relph, 2010, 62-78).

بر اساس نوع نگاه «راپاپورت»، تداعی معنای محیط و شکل‌گیری هویت مکان، به واسطه توانایی برقراری ارتباط میان فرد و محیط یا عناصر اجتماعی و عناصر کالبدی به مفهوم خوانش نشانه‌های محیطی و فهم اشارات، امکان پذیر است. حافظه محیطی که با حافظه و وفای گروهی و جمعی مرتبط است، نتیجه و محصول این تعامل است. مبتنی بر نگاه راپاپورت، اگر فرآیند شکل‌گیری هویت مکان در توسعه شهری جدید مورد توجه باشد، معیارهای خوانایی، خاطره‌انگیزی و تناسب محیطی مهم هستند. این در حالی است که در این زمینه، استحکام و دوام استفاده و به عبارت دیگر، پایدار ماندن ارتباط میان فرد و محیط، بسیار با اهمیت است (Rapaport, 2005, 58-116). «لینچ» در نگاهی نزدیک، هویت مکان را حاصل پیوند متقابل و مستمر میان شکل محیط و فرآیندهای انسانی ادراک و شناخت و به تعبیر دیگر، تعامل میان شخص و مکان می‌داند که شناسایی یا بازشناسی مکانی متمایز با شخصیتی ممتاز، نتیجه آن است. از نظر او، وضوح در درک و شناخت محل سکونت و سهولت در برقراری پیوند میان عناصر و اجزای آن با رویدادها در یک تجلی منسجم ذهنی از زمان و فضا و مرتبط با مفاهیم غیر فضایی و ارزش‌ها، شکل‌گیری هویت مکان را به دنبال دارد. به علاوه شناخت و آشنایی، رویدادها و وقایع، خوانایی و تناسب از جمله معیارهای قابل تأمل در این زمینه هستند (Lynch, 2002, 167-190).

از نظر «الکساندر»، شکل‌گیری هویت مکان، حاصل پیوند کالبد و فعالیت در راهی بی‌زمان و در بستر کلی منسجم است. این مفهوم، از تکرار مستمر الگوهای خاص از رویدادها در بخشی از فضا حاصل می‌شود که همواره با الگوهای ظاهری خاصی، پیوند ناگسستنی دارند. براساس چارچوب فکری الکساندر، شکل‌گیری هویت مکان در توسعه شهری جدید، مبتنی بر جریان مداوم و روندهای سلسله‌ای، متوالی و تدریجی، قابل ترسیم است. در این نگاه، فرآیند تشخیص فضا و شکل‌گیری هویت مکان، از نوع افزودنی نیست که در آن اجزایی از پیش شکل یافته در کنار هم قرار گیرند، بلکه از نوع تحول و دگرذیسی جنین است که در آن، کل بر اجزا مقدم است و اجزای خود را مرحله به مرحله و در بستر زمان، به وجود می‌آورد (Alexander, 2007, IX-XV).

«حبیبی» معتقد است، هویت مکان در بستر زمان و متأثر از تکوین خاطره برگرفته از تعامل دائمی ساکن و محل سکونت، شکل می‌گیرد. این ارجاع به چیزی در باطن، ارتباط مستقیم با حافظه جمعی دارد که مبتنی بر خاطره به مفهوم پیوند همیشگی با محیط است. از این رو، در زمینه شکل‌گیری هویت مکان در توسعه شهری جدید، توجه به خاطره سازی شهری و فضاهای شهری خاطره‌ای ضروری است. در این فرآیند، زمان بهترین و مهمترین عامل برای تکمیل توسعه و شکل‌گیری هویت مکان، مبنی بر تجربه و انباشت تدریجی خاطره در طول حضور یک نسل و ظهور نسل‌های آتی است. شناسایی و آشنایی، خاطره‌انگیزی، خوانایی

و تنوع یا اختلاط نیز از جمله معیارهای قابل توجه برای تبیین و بررسی چنین فرآیندی هستند (Habibi, 2005a, 14-15; Habibi, 2005b, 145-150).

از نقطه نظر «دانشپور»، «سپهری مقدم» و «چرخچیان» هویت مکان، در قالب وابستگی و دلبستگی فرد و منتج از تعاملات عملکردی، عاطفی و شناختی به صورت آگاهانه و ناآگاهانه و در بستر زمان، پی‌ریزی می‌شود. از این رو و در ارتباط با شکل‌گیری هویت مکان در توسعه شهری جدید، می‌توان بر چارچوب فرآیند اجتماعی و روانشناختی که میان فرد و مکان پدید آمده و تبدیل شدن فضا به مکانی خاص برای افراد و گروه‌ها (که نتیجه آن است) متمرکز شد. این چنین، دو عنصر انسان و مکان از طریق عنصر سوم یعنی تعامل، وارد یک فرآیند می‌گردند که در آن، عامل چهارم یا زمان نیز قابل طرح است. بنابراین عامل زمان یا به عبارت دیگر مدت زمان سکونت، دارای ارتباطی قابل توجه با فرآیند یادشده است (Daneshpour, Sepehri Moqaddam, and Charkhchian, 2011, 37-45).

از نظر «لالی»، هویت مکان، ارجاع به ارتباط افراد با یک مکان داشته و فراهم کننده کارکردی مبنی بر عزت نفس و احساس یگانگی و یکتایی بنیادین است. صفات و خصوصیات منحصر به فردی که برای چنین مفهومی ضروری هستند، در سطحی مجرد، توسط جنبه‌هایی مشخص، نمادینه می‌شوند. آشنایی، ارزیابی، دلبستگی و تعهد و التزام ساکن نسبت به محل سکونت، از جمله موارد مهم در این زمینه هستند. این در حالی است که بر مبنای پژوهش او، مدت زمان سکونت ارتباط معناداری با فرآیند شکل‌گیری هویت مکان دارد. این چنین، افزایش پایدار احراز و تشخیص هویت مکان در طول زمان، موضوعی قابل دفاع بوده و مدت زمان سکونت، شاخص و مؤلفه‌ای بسیار قابل توجه برای تبیین و توضیح در این زمینه است (Lalli, 1992, 289-300).

در پژوهش «رولرو» و «دی پیکولی»، هویت مکان مرتبط با دلبستگی و بعدی شناختی - ادراکی و نیز احساسی مبنی بر دریافت خود به عنوان عضوی از یک فضای فیزیکی، تلقی می‌گردد. مشارکت (فعالیت)، ارتباطات اجتماعی و ارزیابی سکونت از جمله معیارهای قابل توجه در این زمینه هستند. با چنین نظرگاهی، این پژوهش گویای آن است که مدت زمان سکونت، تأثیری ویژه بر شکل‌گیری هویت مکان دارد. بالاترین امتیازات مربوط به احراز و تشخیص هویت مکان، به ساکنان با مدت زمان سکونت بالا، اختصاص دارد. این به آن معناست که تداوم و پایداری سکونت، ارتقای هویت مکان را به دنبال دارد. این در حالی است که بر اساس نتایج تکمیلی، مدت زمان سکونت به صورت غیرمستقیم و به واسطه تأثیرگذاری بر ارتباطات اجتماعی و پی‌ریزی گروه‌ها و پیوستگی‌های محلی، با دلبستگی به مکان نیز مرتبط و دارای همبستگی است (Rollero and De Piccoli, 2010, 198-204).

بر اساس نقطه نظر «تویبگر - راس» و «اوزیل» که پژوهش «نر» نیز تصدیق کننده و در عین حال تکمیل کننده آن است، فرآیند شکل‌گیری هویت مکان، دلالت‌هایی محلی را دارا می‌باشد، به این معنا که محیط، بخش برجسته هویت و نه صرفاً پایه‌گذار زمینه‌ای

است که در آن، هویت می‌تواند پی‌ریزی شده و توسعه یابد. این مفهوم، در پیوند و ارتباط با دلبستگی روانشناختی و در بستر زمان، شکل گرفته و ارتقا می‌یابد. از این رو، پیوستگی و استمرار ارتباط متقابل ساکن و محل سکونت در قالب تداوم مبتنی بر ارجاع به مکان، به مفهوم مرتبط شدن فعالیت‌ها و خویشتن با محل زندگی و نیز تداوم مبتنی بر تجانس با مکان به معنای یکپارچگی و تناسب بین شخص و محیط، در زمینه شکل‌گیری هویت مکان، دارای اهمیت است. تشخیص، عزت نفس و خودکارآمدی از جمله سایر معیارهای قابل توجه برای مطالعه در این زمینه هستند (Twigger-Ross and Uzzell, 1996, 205-218; Knez, 2005, 215-217).

«یوژانگ»، هویت مکان را هم پیوند با معانی و ادراکاتی می‌داند که توسط مردم در ارتباط با محیط خود، فهمیده شده و به دست می‌آیند. وی معتقد است، دلبستگی به مکان مبنی بر ایجاد پیوستگی یا ارتباط مؤثر میان افراد و مکان‌های منحصر به فرد، در زمینه شکل‌گیری هویت مکان، دارای نقش می‌باشد. این در حالی است که ثبات ارتباط میان محیط و استفاده کننده از محیط، زمان و نیز میزان آشنایی، از جمله معیارهای مؤثر در این زمینه هستند (Ujang, 2012, 156-165). از نقطه نظر «سوانی»، «وارالا» و «پواوتا»، هویت مکان، شامل ابعادی از خود و خویشتن است که تعریف کننده هویت فرد یا جامعه در ارتباط با محیط فیزیکی به واسطه الگویی مرکب از اندیشه‌ها، اولویت‌ها، احساسات، ارزش‌ها، گرایش‌ها و توانایی‌های رفتاری خودآگاه یا ناخودآگاه است. شکل‌گیری هویت مکان در توسعه شهری جدید را می‌توان به واسطه نقطه تمرکز آنها یعنی حس مکان، دنبال نمود که در این زمینه معتقد به سطوح مختلف به واسطه معیار یا عامل کلیدی مدت زمان سکونت، می‌باشند. یافته‌های پژوهش آنها گویای این است که هویت مکان از نقطه نظر ساکنان با مدت زمان سکونت بالا در مقابل ساکنان با مدت زمان سکونت کم، متفاوت بوده و عمده‌تاً بر اساس ارتباطات و پیوندهای اجتماعی در مقابل کیفیت‌های محیطی، پایه‌گذاری می‌شود. این در حالی است که سازگاری، ارتباطات اجتماعی، دلبستگی، ریشه‌داری، قدردانی، رضایت‌مندی و تشخیص، از جمله معیارهای مهم در این زمینه هستند (Soini, Vaarala and Pouta, 2012, 125-131).

بر این مبنای، هویت مکان مفهومی تعاملی مبنی بر ارتباط متقابل و مستمر ساکن و محیط و به تعبیر دیگر، ابعاد اجتماعی یا فعالیت با ابعاد کالبدی یا فرم و در نتیجه، شخص و مکان در بستر زمان است. این تعامل و پیوند دائمی، همان مفهومی است که از نقطه نظر الکساندر و لینچ در قالب کلی انسجام یافته یا تجلی منسجم ذهنی بر پایه شناسایی و بازشناسی، تبیین می‌شود. خروجی این ارتباط متقابل، متبلور در چیزی است که رلف از آن، با عنوان تجربه درونی، عمیق یا مستقیم و پروشانسکی در قالب گذشته محیطی یا پشت صحنه ادراکی به واسطه شناخت و ادراک، یاد می‌کند. راپاپورت در این خصوص به حافظه محیطی منتج از نشانه‌ها و فهم اشارات می‌پردازد که بر مبنای نگاه حسی، حافظه جمعی و گروهی برگرفته از خاطره است. در این میان، آنچه که ضروری و

مهم می‌نماید، تأکید بر ثبات، تداوم، استحکام، پایداری و استمرار این تعامل و ارتباط دوسویه است. بر این اساس، هویت مکان در توسعه شهری جدید، تدریجی و در بستر زمان شکل می‌گیرد و مدت زمان سکونت به عنوان معیاری کلیدی در این زمینه، از ارتباطی معنادار و ویژه با این فرآیند برخوردار است. این ارتباط، مبین شکل‌گیری و ارتقای مستمر احراز و تشخیص هویت مکان در سایه پیوستگی، توالی و آن طور که عموماً یاد می‌شود، تداوم در گذر زمان است. فرد در محیط زمان صرف می‌کند، فعالیت می‌کند و به واسطه ثبات، استحکام و پایداری ماندن ارتباط متقابل او با محیط، تجارب شخصی، نمادینه شده و مکان، هویت می‌یابد.

به علاوه و با استناد به نظریه‌ها، دیدگاه‌ها و پژوهش‌های مورد بررسی، بر پایه نوع نگاه و جهت‌گیری پژوهش، هشت معیار «آشنایی و شناخت»^۱ مبنی بر آگاهی و ادراک نسبت به محیط فیزیکی و ابعاد اجتماعی، «خوانایی و تشخیص»^۲ (محیطی) مبنی بر وجود کیفیات و ارتباطات قابل درک، متنوع، برجسته و خاص، «رضایت‌مندی»^۳ مبنی بر احساس آسایش و آسودگی رفاهی، «خودکارآمدی»^۴ (محیطی) مبنی بر تکامل و خودکفایی عملکردی - کارکردی ظرفیت‌ها و تسهیلات، «تعامل اجتماعی»^۵ مبنی بر ارتباطات و همبستگی‌های اجتماعی میان ساکنان، «تناسب محیطی»^۶ مبنی بر ظرفیت‌ها و امکانات متنوع، اختصاصی و سازگار، «دلبستگی»^۷ مبنی بر احساس وابستگی، تعهد، هم‌سنخی و ریشه‌داری و نیز «خاطره‌انگیزی»^۸ مبنی بر پتانسیل شکل‌گیری و تداعی خاطرات، وقایع و رویدادهای مرتبط و وابسته، در زمینه فرآیند شکل‌گیری هویت مکان در توسعه شهری جدید مورد توجه می‌باشند. مبتنی بر این معیارها و در مسیر سنجش وضعیت هریک و در نهایت، ارزیابی وضعیت احراز و تشخیص هویت مکان، شاخص‌ها و به عبارت دیگر زیرمعیارها و به دنبال آن، سنجش‌ها یا سئوالاتی مرتبط، مطابق با جدول (۱) تعریف شده است تا به واسطه آنها، امکان بررسی و تحلیل نقطه نظر ساکنان مطالعه موردی در چارچوب روش شناسی و جزئیاتی که از آن ارائه می‌شود، فراهم شود.

۳. روش تحقیق

این پژوهش در معنای عام، از روش «مطالعات اسنادی - کتابخانه‌ای»^۹ به منظور فراهم سازی بینش لازم در مسیر شکل‌گیری، تدقیق و تمرکز نقطه نظر و قلمرو خود و همچنین «پژوهش موردی»^{۱۰} برای امکان سنجی «چرایی» و «چگونگی»

1 Familiarity

2 Environmental Legibility & Distinctiveness

3 Satisfaction

4 Environmental Self-Efficacy

5 Social Interaction

6 Environmental Congruency (Fit)

7 Attachment

8 Memorability

9 Document-Library Studies Method

10 Case Study-Research Method

جدول (۱): تعریف شاخص‌ها (زیرمعیارها)، تدوین و اختصاص سنجه‌ها (سوالات) در ارتباط با معیارهای هشت گانه فرآیند شکل‌گیری هویت مکان در توسعه شهری جدید

عنوان معیار	تلقی و کارکرد	شاخص‌ها (زیرمعیارها)	سنجه‌ها	پژوهش‌های پشتیبان
آشنایی و شناخت	آگاهی و ادراک نسبت به محیط فیزیکی و ابعاد اجتماعی	- آگاهی از ارتباط و ترکیب عناصر و اجزا - شناخت عناصر فیزیکی و ابعاد اجتماعی - احساس خودی بودن، نزدیکی، انس و الفت - تشخیص، ادراک فضایی و جهت‌یابی	۶	Proshansky, 1978; Proshansky, Fabian and Kaminoff, 1983; Lalli, 1992; Hull, Lam and Vigo, 1994; Twigger-Ross and Uzzell, 1996; Abu-Ghazze, 1999; Daneshpour, 2000; Gustafson, 2001; Lynch, 2002; Kyle, Mowen, and Tarrant, 2004; Lobo, 2004; Mirmoghtadaei, 2004 and 2009; Habibi, 2005a and 2005b; Knez, 2005; Manzo, 2005; Rapoport, 2005; Smaldone, Harris, and Sanyal, 2005; Falahat, 2005 and 2006; Alexander, 2007; Biedler, 2007; Brown and Raymond, 2007; Tweed and Sutherland, 2007; Behzadfar and Barin, 2008; Habibi, 2008; Modiri, 2008; Shamsuddin and Ujang, 2008; Azizi and Arbab, 2008, 2010, and 2012; Wells, 2009; Arbab, 2009 and 2012; Aminzadeh, 2010; Comstock et al. 2010; Droseltis and Vignoles, 2010; Lewicka, 2010; Raymond, Brown, and Weber, 2010; Relph, 2010; Rollero and De Piccoli, 2010; Daneshpour, Sepehri Moqaddam, and Charkhchian, 2011; Qian, Zhu, and Liu, 2011; Smith et al. 2011; Kamalipour, Jeddi Yeganeh, and Alalhesabi, 2012; Lengen and Kistemann, 2012; Soini, Vaarala, and Pouta, 2012; Ujang, 2012; Budruk and Stanis, 2013; Kalali and Modiri, 2013;
خوانایی و تشخیص	وجود کیفیات و ارتباطات قابل درک، متنوع، برجسته و خاص	- ساختار قابل درک و معنادار به صورت منسجم - تنوع و برجستگی فرم‌ها و فعالیت‌ها - اهمیت، تفاوت، انحصار و یکتایی فضا - احساس تمایز، تشخیص، مباهات و سرپلندی	۶	
رضایت‌مندی	احساس آسایش و آسودگی رفاهی	- ارضای نیازها و تمایلات بیولوژیکی و روانشناختی - احساس راحتی، آسایش و آسودگی رفاهی - مقایسه و ارزیابی ذهنی محل سکونت - رضایت‌مندی کلی و تحقق احساس خوشایند	۷	
خودکارآمدی	تکامل و خودکفایی عملکردی - کارکردی ظرفیت‌ها و تسهیلات	- کم و کیف آستانه رفاه محیطی - تکامل و خودکفایی عملکردی - کارکردی - حمایت و تسهیل نیازها و تقاضاهای متنوع و مختلف	۵	
تعامل اجتماعی	ارتباطات و همبستگی‌های اجتماعی میان ساکنان و اهالی	- ارتباط، تعامل و آمیختگی اجتماعی - انسجام، همبستگی و مراقبت اجتماعی - همکاری و مشارکت اجتماعی فعال	۸	
تناسب محیطی	ظرفیت‌ها و امکانات متنوع، اختصاصی، سازگار و متناسب	- تناسب و سازگاری فرم و فعالیت - احساس اطمینان خاطر و امنیت - دوستانه، تسهیل‌گر و تقویت‌کننده بودن محیط - ظرفیت‌ها و امکانات متنوع و اختصاصی	۸	
دلبستگی	احساس وابستگی، تعهد و مسئولیت، هم‌سنخی و ریشه‌داری	- احساس تعهد، التزام و مسئولیت - احساس وابستگی و تمایل به ماندگاری - احساس تجانس، هم‌سنخی و نزدیکی با مکان - تعلق و ریشه‌داری	۶	
خاطره‌انگیزی	پتانسیل شکل‌گیری و تداعی خاطرات، وقایع و رویدادهای مرتبط و وابسته	- پتانسیل تداعی و یادآوری اشخاص و محل‌ها - پتانسیل تحقق رویدادها و وقایع - خاطرات و تصاویر ارجاع‌پذیر در حافظه	۴	
مجموع		۲۹ شاخص (زیرمعیار)	۵۰	

شهری جدید، در قالب بررسی روابط علت و معلولی مورد توجه است، از روش همبستگی استفاده می‌شود که مبتنی بر آن، فرصت جستجو در خصوص تأثیرگذاری دو یا چند عامل بر یکدیگر و نیز تبیین و تعیین میزان این ارتباط با استفاده از آزمون آماری وابسته به همبستگی، فراهم می‌شود (Creswell, 2012, 338). به علاوه چون برای این منظور، وضعیت نمونه مطالعاتی از نقطه نظر احراز و تشخیص هویت مکان به واسطه معیارهای مورد توجه، مشخص می‌شود، روش ارزیابی به عنوان فرآیندی مبنی بر تحقیق و رسیدگی

در زمینه و صورت واقعی به واسطه ابزارهای لازم شامل مشاهده و همچنین پرسشنامه، استفاده می‌کند (Yin, 2003, 1-17; Yin, 2009, 23-25; Creswell, 2009, 4-5). این در حالی است که در معنای خاص، روش تحقیق «همبستگی»^۱ و روش تحقیق «ارزیابی»^۲ مطرح هستند. از آنجایی که مطالعه و بررسی نقش و جایگاه معیار مدت زمان سکونت در فرآیند شکل‌گیری هویت مکان در توسعه

1 Correlational Research Method
2 Evaluation Research Method

کاربرد برای جمع‌آوری و سنتز شواهد، مورد استفاده قرار می‌گیرد. ارزیابی به ویژه در خصوص وضعیت، ارزش، شایستگی، اهمیت، معناداری یا کیفیت یک برنامه، محصول، فرد، سیاست، پیشنهاد یا برنامه (همچنان که یک موضوع یا پدیده)، بسیار کاربرد دارد. خروجی و نتیجه‌گیری حاصل از ارزیابی شامل هر دو جنبه تجربی (که تا حدی وابسته به نمونه مطالعاتی است) و هنجاری (که تا حدی وابسته به قضاوت در مورد ارزش چیزی است) می‌شود (Mertens, 2010, 49).

پیش از ورود به تحلیل وجود و معناداری همبستگی میان مدت زمان سکونت و احراز و تشخیص هویت مکان از نقطه نظر ساکنان، ارزیابی و سنجش وضعیت هویت مکان در مقیاس مجموع و نیز به تفکیک هریک از محلات، مورد توجه می‌باشد. این امر از طریق تلفیق وضعیت معیارها یا عوامل که مبتنی بر زیرمعیارها و سنجها و به واسطه «تحلیل عاملی تأییدی»^۱ با استفاده از نسخه ۲۲ «بسته نرم‌افزار آماری برای علوم اجتماعی»^۲ مشخص شده‌اند، صورت می‌پذیرد. در این خصوص، لازم است تا ضریب اهمیت (وزن) معیارها نسبت به یکدیگر تعیین شود. مفهوم معناداری در همبستگی این است که آیا ارتباط به دست آمده بین دو متغیر، اتفاقی و تصادفی یا در مقابل، واقعی و از لحاظ آماری، مورد تأیید و قابل دفاع است. این محور به واسطه «ضریب همبستگی اسپیرمن»^۳ و برای تحلیل بیشتر هم در مقیاس کل و هم به تفکیک هریک از محلات، انجام می‌شود. ضریب همبستگی اسپیرمن که از نظر محاسباتی، معادل «ضریب همبستگی پیرسن»^۴ می‌باشد، روشی ناپارامتری است که بر اساس رتبه‌ها بدون نیاز به فرض نرمال بودن توزیع یا داده‌های زیاد، می‌تواند استفاده شود (Sprent and Momeni, 2009, 111; Smeeton, 2007, 313). امکان سنجی این ارتباط در صورت تأیید معناداری، در قالب تحلیل رگرسیون بیشتر مورد بررسی قرار گرفته و تدقیق خواهد شد.

در ارتباط با پرسشنامه با هدف طراحی سئوالاتی مرتبط و اختصاصی برای هریک از معیارها، «طیف پنج قسمته لیکرت»^۵ برای پاسخ ساکنان، مورد توجه قرار گرفته که مقیاسی تجمعی شامل یک رشته از قسمت‌هاست که بر اساس آن، پاسخ دهندگان نظر خود را در قالب درجه‌ای از شدت و نیرومندی، مشخص می‌کنند (Miller and Salkind, 2002, 330). در خصوص تعیین حجم نمونه نیز باید اشاره شود که چهار محله شهرک دهکده المپیک، چشمه، راه‌آهن و صدرا به صورت واحدهایی مجزا اما هریک دارای ویژگی‌های نسبتاً همگن در درون خود، در نظر گرفته شده‌اند. از این رو، از «نمونه‌گیری تصادفی ساده»^۶ و روش «کوکران»^۷ استفاده شده است. بر این اساس و بر مبنای درصد اطمینان ۹۹ و همچنین سطح خطای ۰٫۱ (دقت مورد نظر معادل ۰٫۱ فاصله نسبت به جامعه)، ۶۳۸ نمونه در مجموع

و به ترتیب شامل ۱۵۴، ۱۵۷، ۱۶۶ و ۱۶۱ نمونه مربوط به شهرک‌های دهکده المپیک، چشمه، راه‌آهن و صدرا محاسبه شده و مورد توجه می‌باشد. این تعداد نمونه در عین حال از حجم مناسبی برای انجام تحلیل عاملی مورد توجه با پیش شرط ۱۰ برابر بودن تعداد نمونه‌ها در ازای هریک از متغیرها (سنجه‌ها یا سئوالات مربوط به هریک از معیارها، معادل ۵۰ مورد) خواهد بود.

۴. مطالعه موردی: منطقه ۲۲ شهر تهران

منطقه ۲۲ به عنوان وسیع‌ترین توسعه شهری جدید و متصل به شهر تهران (همانطور که جدول (۲) نیز نشان می‌دهد) مشتمل بر حدوداً ۱۶ شهرک و محله مسکونی با سابقه توسعه و مدت زمان سکونت معادل یک دهه و بالاتر می‌باشد. این شهرک‌ها مطابق با سرشماری سال ۱۳۹۰، در مجموع ۸۳ درصد از جمعیت منطقه ۲۲ را در بر می‌گیرند. با نگاهی مبتنی بر فرآیند، سابقه و سیر تحولی و نیز تقدم و تأخر توسعه شهرک‌ها و محلات، چهار طیف و دسته کلی و متمایز به لحاظ زمانی قابل شناسایی است. این چهار طیف و دسته کلی به ترتیب مبین ۳۰ سال و بالاتر، ۲۵-۳۰ سال، ۲۵-۲۰ سال و در نهایت ۱۵-۱۰ سال به عنوان سابقه سکونتی (مدت زمان سکونت) می‌باشد. قرارگیری محلات و شهرک‌ها در هریک از دسته‌های فوق، با استناد به اطلاعات مربوط به پیشینه توسعه و نیز بررسی و تطبیق سری‌های زمانی مربوط به عکس هوایی و تصاویر ماهواره‌ای، انجام گرفته است. تلاش شد تا با لحاظ معیارها و ملاک‌های کلی شامل عدم تغییر و تحول جدی و اساسی و نیز تکامل، ثبات و بلوغ نسبی و همچنین کنار گذاشتن نمونه‌هایی که به علل گوناگون چندان به نظر نمی‌رسد موضوعیت داشته و قابل توجه باشند، بارزترین و متعارف‌ترین شهرک‌ها را با لحاظ قابلیت تعمیم پذیری در قالب محله و محیط مسکونی، به عنوان نماینده‌ای از هر طیف و طبقه، انتخاب شود تا مجموعه‌ای واحد و در حین حال به نسبت جامع در دسترس قرار گیرد. با چنین رویکردی مبنی بر نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده هدفمند، شهرک‌های دهکده المپیک، چشمه، راه‌آهن و صدرا به عنوان مطالعه موردی این پژوهش در نظر گرفته شده است.

۵. ارزیابی وضعیت احراز و تشخیص هویت مکان

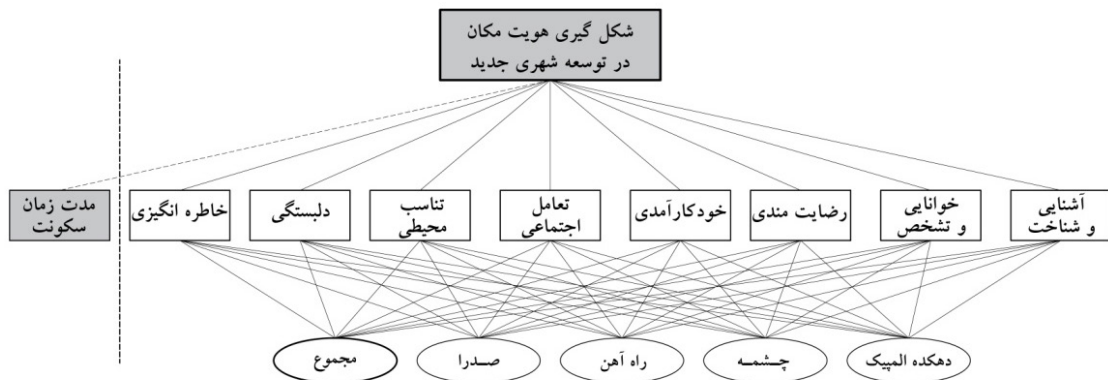
ارزیابی وضعیت شکل‌گیری هویت مکان در مطالعه موردی شامل شهرک‌های دهکده المپیک، چشمه، راه‌آهن و صدرا به واسطه تلفیق معیارهای هشت گانه مورد توجه در این زمینه، شامل «آشنایی و شناخت»، «خوانایی و تشخیص»، «رضایت‌مندی»، «خودکارآمدی»، «تعامل اجتماعی»، «تناسب محیطی»، «دلبستگی» و «خاطره‌انگیزی»، انجام شده است. این در حالی است که همان‌طور که اشاره شد، وضعیت هریک از معیارهای یاد شده از نقطه نظر ساکنان به واسطه زیرمعیارها و سنجها یا متغیرهای مربوطه، در سایه انجام تحلیل عاملی، مشخص شده است. نمودار (۱) ساختار سلسله مراتبی فرآیند شکل‌گیری هویت مکان در توسعه شهری جدید شامل معیارها و نیز مطالعه موردی را نشان می‌دهد. در این نمودار مدت زمان سکونت نیز که از نقطه

- 1 Confirmatory Factor Analysis
- 2 Statistical Package for the Social Sciences (SPSS)
- 3 Spearman Correlation Coefficient
- 4 Pearson Correlation Coefficient
- 5 5-point Likert-Type Scale
- 6 Simple Random Sampling
- 7 William G. Cochran

جدول (۲): شهرک‌ها و محلات در منطقه ۲۲ تهران (با سابقه توسعه و مدت زمان سکونت حداقل یک دهه)

نام محله / شهرک	سابقه سکونت	جمعیت سال ۱۳۹۰ (نفر)
بیکانشهر	۳۰ سال و بالاتر	۳۴۵۰
آزادشهر (مونترال سابق)		۵۲۱۲
دهکده المپیک		۲۱۵۶
امیرکبیر	۲۵-۳۰ سال	۲۸۶۵
چشمه		۲۷۱۰
زیبادشت بالا		۹۸۵۰
زیبادشت پایین		۵۱۶۴
راه آهن (گلستان)	۲۰-۲۵ سال	۳۷۳۱۷
دانشگاه شریف		۱۸۳۹
لاله		۲۱۱۹
هوانیروز		۳۰۶۶
صدرا (جهاد سازندگی)		۴۹۳۴
شهید باقری	۱۰-۱۵ سال	۱۰۷۷۷
امید دژبان (شامل مجموعه‌های امید، میلاد، شهاب شهر، نمونه، کوهستان و سیمان)		۱۰۰۸۶
یاس		۴۲۹۳
کوثر		۱۵۹۱
مجموع		۱۰۷۴۲۹
درصد (نسبت به کل منطقه)		۸۳٪
منطقه ۲۲ تهران		۱۲۸۹۵۸

ماخذ: National Cartographic Center of Iran. 1987; Sharestan Consultant; 2003. Google Earth 7.1, 2004, 2008, and 2013. (Tehran Municipality, 2012 and 2013; Statistical Center of Iran. 2013)



نمودار (۱): ساختار سلسله مراتبی فرآیند شکل‌گیری هویت مکان در توسعه شهری جدید (شامل معیارها و نیز مطالعه موردی)

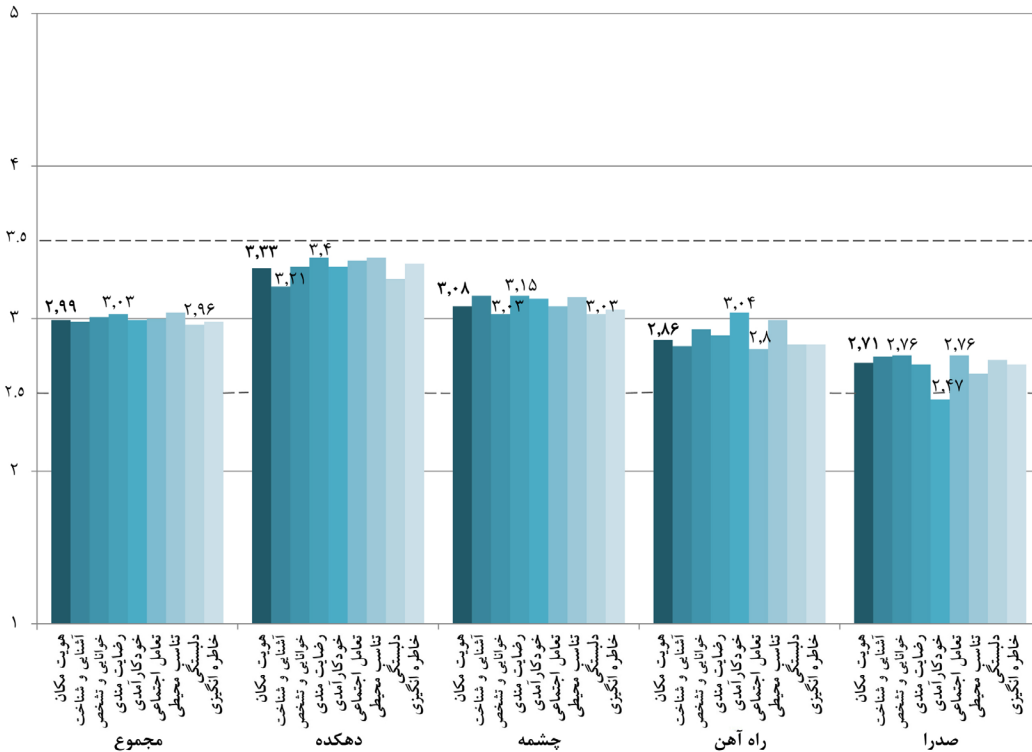
با محاسبه ضریب اهمیت هر کدام از معیارها و با توجه به مشخص بودن امتیاز آنها در ارتباط با هر یک از شهرک‌های مورد مطالعه، سنجش وضعیت احراز و تشخیص هویت مکان از نقطه نظر ساکنان می‌تواند انجام گیرد. نمودارهای (۲) و (۳) وضعیت احراز و تشخیص هویت مکان و معیارهای قابل توجه در این زمینه را در مقیاس کل و نیز به تفکیک شهرک‌های مورد مطالعه، شامل

نظر امکان‌سنجی و معناداری ارتباط با شکل‌گیری هویت مکان در توسعه شهری جدید مورد توجه است، آمده است. تعیین ضرایب اهمیت و به عبارت دیگر، وزن‌دهی معیارها بر مبنای ماتریس دودویی معیارها، موسوم به ماتریس نه کمیته «توماس ال. ساعتی»^۱ صورت گرفته است (Zebardast, 2002, 15).

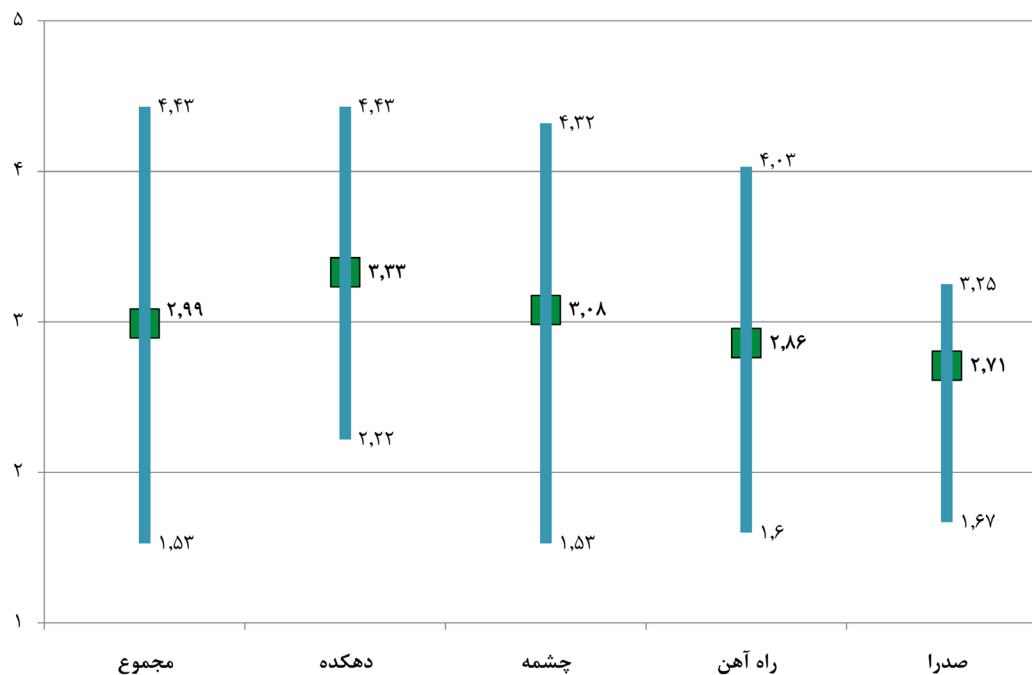
1 T. L. Saaty

خوب، شهرک چشمه با متوسط مدت زمان سکونت ۱۶ سال و ۳/۰۸ در وضعیت متوسط، شهرک راه آهن با متوسط مدت زمان سکونت ۱۱ سال و ۲/۸۶ در وضعیت نزدیک به متوسط و در نهایت شهرک صدرا با متوسط مدت زمان سکونت ۹ سال و ۲/۷۱ در وضعیت میان ضعیف و متوسط قرار دارند. مقادیر کمینه و بیشینه

دهکده المپیک، چشمه، راه آهن و صدرا نشان می دهد. بر این اساس، هویت مکان از نقطه نظر ساکنان در مجموع با ۲/۹۹ در وضعیت متوسط قرار دارد. این در حالی است که احراز و تشخیص هویت مکان در شهرک دهکده المپیک با متوسط مدت زمان سکونت ۱۸ سال و میانگین ۳/۳۳ در وضعیت میان متوسط و



نمودار (۲): وضعیت احراز و تشخیص هویت مکان و معیارهای قابل توجه در این زمینه از نقطه نظر ساکنان (در مقیاس کل و به تفکیک شهرک های مورد مطالعه)



نمودار (۳): بازه (کمینه و بیشینه) وضعیت احراز و تشخیص هویت مکان از نقطه نظر ساکنان (در مقیاس کل و به تفکیک شهرک های مورد مطالعه)

نقطه نظر ساکنان در مجموع گویای وضعیت‌های میان ضعیف و متوسط (۱/۵۳) و خوب و خیلی خوب (۴/۴۳) است. این مهم در شهرک‌های دهکده المپیک، چشمه، راه‌آهن و صدرا به ترتیب بازه‌های ۴/۴۳-۲/۲۲، ۴/۳۲-۱/۵۳، ۴/۰۳-۱/۶۰ و ۳/۲۵-۱/۶۷ را نشان می‌دهد.

۶. تحلیل معناداری همبستگی مدت زمان سکونت

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، امکان سنجی مبنی بر وجود یا عدم وجود ارتباط معنادار میان مدت زمان سکونت ساکن و کم و کیف احراز و تشخیص هویت مکان در بستر توسعه شهری جدید، با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن بررسی شده است. این در حالی است که با توجه به چارچوب نظری تدوین شده، پیش فرض معناداری و مثبت بودن همبستگی میان مدت زمان سکونت و وضعیت احراز و تشخیص هویت مکان، مطرح است. این چنین، فرضیه همبستگی به صورت یک طرفه در نظر گرفته شده است. بر این مبنا، فرضیه صفر و جایگزین به ترتیب گویای عدم وجود در مقابل وجود و تأیید معناداری ارتباط از لحاظ آماری و در عین حال مثبت بودن آن است. جدول (۳)، خروجی مربوط به بررسی معناداری ارتباط میان مدت زمان سکونت و احراز و تشخیص هویت مکان را در توسعه شهری جدید، در مقیاس کل و نیز به تفکیک هریک از شهرک‌های مورد مطالعه شامل دهکده المپیک، چشمه، راه‌آهن و صدرا، نشان می‌دهد. نتایج، حاکی از آن است که در تمامی موارد و در سطح خطای یک

درصد (معادل ۹۹ درصد اطمینان)، گواه قوی علیه فرضیه صفر، وجود دارد. بنابراین هویت مکان در توسعه شهری جدید و مدت زمان سکونت، دارای همبستگی معنادار با یکدیگر می‌باشند، این همبستگی مثبت بوده و ضریب آن ۰/۸۴۲ برای ۶۳۸ نمونه مورد مطالعه در مجموع است. بدین معنا، با افزایش مدت زمان سکونت، وضعیت احراز و تشخیص هویت مکان در توسعه شهری جدید، ارتقا می‌یابد. این یافته، گویای این است که مدت زمان سکونت معیار و عاملی کلیدی در فرآیند شکل‌گیری هویت مکان در توسعه شهری می‌باشد. ضریب این همبستگی در شهرک‌های دهکده المپیک، چشمه، راه‌آهن و صدرا به ترتیب ۰/۷۵۳ به ازای ۱۵۴ نمونه، ۰/۸۴۸ به ازای ۱۵۷ نمونه، ۰/۸۷۱ به ازای ۱۶۶ نمونه و ۰/۷۷۲ به ازای ۱۶۱ نمونه مورد توجه است.

۷. امکان سنجی نوع ارتباط مدت زمان سکونت

با توجه به اثبات وجود همبستگی معنادار و البته مثبت میان مدت زمان سکونت و وضعیت احراز و تشخیص هویت مکان، امکان سنجی این نوع ارتباط، در مسیر تکمیل و تدقیق یافته فوق، مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس، اینکه همبستگی معنادار مورد تأیید، در قالب چه ارتباطی از نقطه نظر خطی، توانی یا احتمالاً لگاریتمی، قابل ترسیم بوده و در عین حال از برابری خوبی نیز برخوردار است، هدفگذاری شده است. جدول (۴) و نمودار (۴) تخمین دیاگرام ارتباط و به بیان دیگر، پراکنش داده‌ها را با فرض وجود هر سه نوع رابطه معنادار خطی، توانی و لگاریتمی

جدول (۳): تحلیل معناداری همبستگی مدت زمان سکونت با شکل‌گیری هویت مکان در توسعه شهری جدید (در مقیاس کل و به تفکیک شهرک‌های مورد مطالعه)

مطالعه موردی	ضریب همبستگی	جزئیات	
		سطح معناداری (یک طرفه)	سطح خطا (یک طرفه)
شهرک دهکده المپیک	۰,۷۵۳	۰,۰۰۰	۰,۰۱
شهرک چشمه	۰,۸۴۸	۰,۰۰۰	۰,۰۱
شهرک راه‌آهن	۰,۸۷۱	۰,۰۰۰	۰,۰۱
شهرک صدرا	۰,۷۷۲	۰,۰۰۰	۰,۰۱
مجموع	۰,۸۴۲	۰,۰۰۰	۰,۰۱

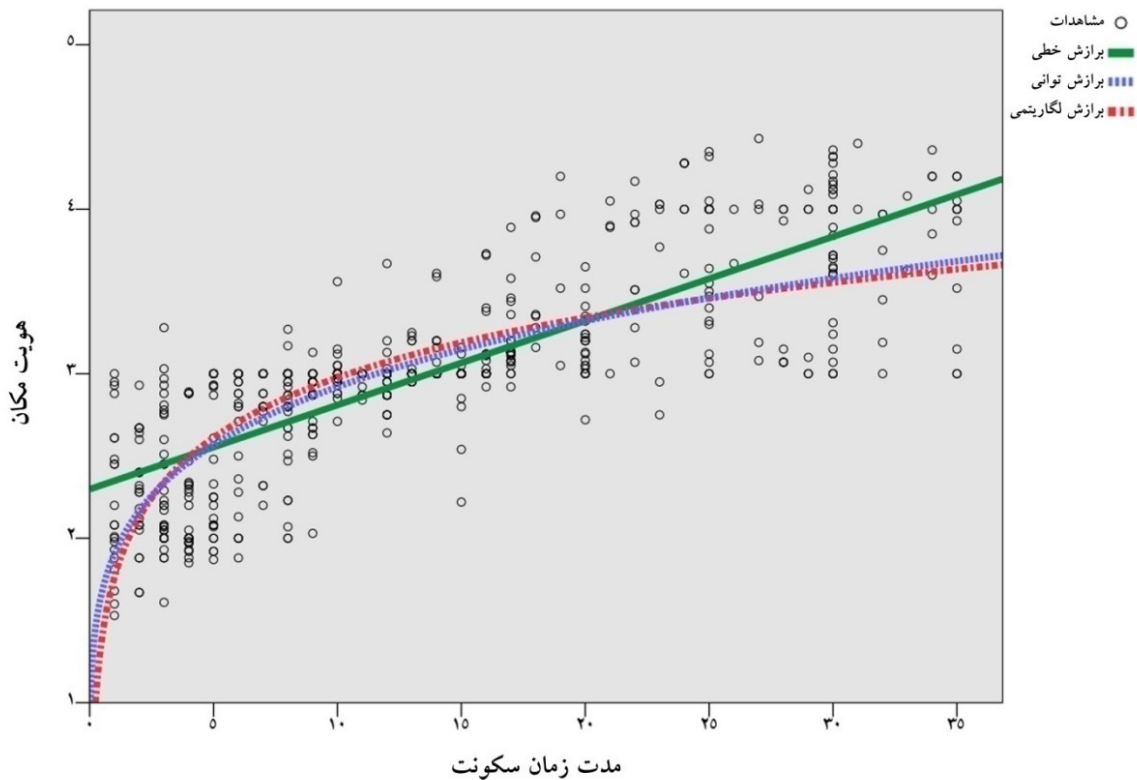
جدول (۴): تخمین ارتباط مدت زمان سکونت با شکل‌گیری هویت مکان در توسعه شهری جدید (بر مبنای سه نوع برازش خطی، توانی و لگاریتمی)

نوع ارتباط (معادله)	ضریب تعیین (R ²)	مشخصات مدل				تخمین پارامترها
		آماره آزمون معناداری الگوی رگرسیون (F)	درجه آزادی ۱ (df ₁)	درجه آزادی ۲ (df ₂)	سطح معناداری (sig.)	
خطی	۰,۶۳۶	۱۱۰۹,۹۷۶	۱	۶۳۶	۰,۰۰۰	
توانی	۰,۶۱۶	۱۰۱۸,۶۵۵	۱	۶۳۶	۰,۰۰۰	
لگاریتمی	۰,۶۰۲	۹۶۱,۴۵۲	۱	۶۳۶	۰,۰۰۰	

میان مدت زمان سکونت و شکل‌گیری هویت مکان در توسعه شهری جدید، نشان می‌دهد.

به واسطه اطلاعات جدول و همانطورکه مشخص است، رابطه معنادار و مثبت میان مدت زمان سکونت و وضعیت احراز و تشخیص هویت مکان در توسعه شهری جدید، مبتنی بر ۶۳۸ نمونه مربوط به مطالعه موردی شامل شهرک‌های دهکده

المپیک، چشمه، راه‌آهن و صدرا در قالب هر سه نوع ارتباط خطی، توانی و لگاریتمی، قابل ترسیم است. به عبارت دیگر، فرض امکان تخمین ارتباط معنادار و مثبت یادشده در تمامی حالت‌های خطی، توانی و نیز لگاریتمی، مورد تأیید قرار می‌گیرد. این در حالی است که به واسطه تخمین پارامترها، امکان ارائه معادله مربوط به این ارتباط نیز در هر سه حالت، فراهم شده است. با این وجود،



نمودار (۴): تخمین ارتباط مدت زمان سکونت با شکل‌گیری هویت مکان در توسعه شهری جدید (بر مبنای سه نوع برازش خطی، توانی و لگاریتمی)

آماره مربوط به معناداری مدل یا الگوی رگرسیون، گویای آن است که ترسیم یا تخمین ارتباط در قالب رابطه خطی، برازندگی بهتری نسبت به دو حالت دیگر دارد. این بدین معناست که میان مدت زمان سکونت و وضعیت احراز و تشخیص هویت مکان در توسعه شهری جدید، بر مبنای داده‌های مربوط به مطالعه موردی، رابطه معنادار مثبت و خطی وجود دارد.

۸. نتیجه‌گیری

بر مبنای آنچه اشاره شد، هویت مکان در توسعه شهری جدید به عنوان مفهومی منتج از تعامل مداوم ساکن و محل سکونت و در نتیجه شخص و مکان، در بستر زمان شکل می‌گیرد. زمان عاملی کلیدی در ارتباط با این فرآیند بوده به نحوی که مدت زمان سکونت در حکم شرط لازمی است که در سایه آن، تداوم و پیوستگی تعامل یادشده می‌تواند تضمین شده، احراز و تشخیص هویت مکان از نقطه نظر ساکن، توسعه و ارتقا یابد. با توجه به نتایج برگرفته از تحلیل معناداری و نیز امکان سنجی همبستگی مثبت میان مدت زمان سکونت و وضعیت شکل‌گیری، احراز و تشخیص هویت مکان در توسعه شهری جدید، رابطه علت و معلولی فوق به صورت خطی

به واسطه داده‌های مربوط به مطالعه موردی در مقیاس مجموع و نیز به تفکیک هریک از شهرک‌های مورد مطالعه، مورد بررسی تفصیلی قرار گرفته است. جدول (۵) جزئیات مربوط به تحلیل واریانس رگرسیون را به منظور قضاوت در خصوص قطعیت رابطه خطی بین دو متغیر یعنی مدت زمان سکونت ساکن و نیز وضعیت احراز و تشخیص هویت مکان از نظر او، نشان می‌دهد. همانطورکه ملاحظه می‌شود، مبتنی بر این آزمون، فرض خطی بودن رابطه میان دو متغیر یادشده بر اساس داده‌های مربوط به هر پنج حالت، یعنی مقیاس مجموع و نیز به تفکیک شامل شهرک‌های دهکده المپیک، چشمه، راه‌آهن و صدرا، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

مقادیر رگرسیون در واقع بیانگر نسبت یا درصد تغییرات متغیر وابسته یعنی وضعیت احراز و تشخیص هویت مکان است که توسط متغیر مستقل یعنی مدت زمان سکونت در قالب یک رابطه خطی تبیین شده و توضیح داده می‌شود. با چنین تعبیری، نسبت این میزان به مجموع در واقع معادل ضریب تعیین رابطه یادشده است. میزان باقی مانده یا خطا نیز بیانگر میزان تغییرات متغیر وابسته است که توسط سایر عوامل، مورد تبیین قرار می‌گیرد.

جدول (۶) ضریب همبستگی مبنی بر شدت رابطه و ضریب تعیین را همانطور که اشاره شد، معادل نسبت یا درصد تغییرپذیری در متغیر وابسته است و می‌توان در قالب رگرسیون و به واسطه متغیر مستقل توضیح داد، نشان می‌دهد. این در حالی است که ضریب تعیین تعدیل شده و خطای معیار تخمین نیز به تفکیک بررسی رابطه خطی در قالب داده‌های مربوط به هریک از شهرک‌های مورد مطالعه و نیز مقیاس مجموع، ارائه شده است.

شدت همبستگی معنادار و مثبت یادشده در قالب یک رابطه خطی و در مقیاس مجموع، معادل $0/80$ و ضریب تعیین مربوط به آن $0/64$ می‌باشد. ضریب این همبستگی بر مبنای بررسی داده‌ها به تفکیک هریک از شهرک‌ها شامل دهکده المپیک، چشمه، راه‌آهن و صدرا به ترتیب $0/75$ ، $0/80$ ، $0/81$ و $0/76$ بوده و ضریب تعیین مربوط به آن نیز به ترتیب $0/56$ ، $0/64$ ، $0/66$ و $0/57$ می‌باشد. بر این مبنای، می‌توان اظهار نمود که مدت زمان

سکونت و وضعیت احراز و تشخیص هویت مکان در توسعه شهری جدید از همبستگی قابل توجهی برخوردارند. این در حالی است که شهرک‌های چشمه و راه‌آهن، گویای همبستگی قوی‌تری در این زمینه هستند. به علاوه و با استناد به بررسی‌های انجام شده، فرضیه‌های صفر بودن مقدار ثابت و نیز صفر بودن ضریب رگرسیون، در تمامی حالت کنار گذاشته می‌شود. بر این اساس، میان مدت زمان سکونت و فرآیند شکل‌گیری هویت مکان در توسعه شهری جدید همبستگی معنادار، مثبت و قابل تبیین در قالب مدل برازشده مبتنی بر رگرسیون خطی وجود دارد.

در جایگاه نتیجه‌گیری و بر مبنای سهم و جایگاه این پژوهش، باید اشاره کرد که پایه‌گذارای هرگونه نگرش و ترسیم چشم‌انداز در خصوص شکل‌گیری هویت مکان در توسعه شهری جدید، مبتنی بر فرآیندی مبنی بر توسعه تدریجی در بستر زمان امکان‌پذیر و قابل تحقق خواهد بود. این مهم که هم در سطح نظری و به واسطه

جدول (۵): تحلیل واریانس رگرسیون در خصوص قطعیت وجود ارتباط خطی میان مدت زمان سکونت و شکل‌گیری هویت مکان در توسعه شهری جدید

مطالعه موردی	مدل	مجموع مربعات (SS)	درجه آزادی (df)	میانگین مربعات (MS)	آماره آزمون معناداری (F) رگرسیون	سطح معناداری (Sig.)
شهرک دهکده المپیک	رگرسیون	۲۴,۴۲۲	۱	۲۴,۴۲۲	۱۹۰,۱۵۹	۰,۰۰۰
	میزان باقیمانده (خطا)	۱۹,۵۲۱	۱۵۲	۰,۱۲۸		
	مجموع	۴۳,۹۴۳	۱۵۳	-		
شهرک چشمه	رگرسیون	۳۹,۶۹۴	۱	۳۹,۶۹۴	۲۷۶,۸۲۴	۰,۰۰۰
	میزان باقیمانده (خطا)	۲۲,۲۲۶	۱۵۵	۰,۱۴۳		
	مجموع	۶۱,۹۲۰	۱۵۶	-		
شهرک راه‌آهن	رگرسیون	۲۴,۳۵۹	۱	۲۴,۳۵۹	۳۲۲,۱۷۳	۰,۰۰۰
	میزان باقیمانده (خطا)	۱۲,۴۰۰	۱۶۴	۰,۰۷۶		
	مجموع	۳۶,۷۵۸	۱۶۵	-		
شهرک صدرا	رگرسیون	۱۵,۶۵۷	۱	۱۵,۶۵۷	۲۱۰,۹۷۶	۰,۰۰۰
	میزان باقیمانده (خطا)	۱۱,۸۰۰	۱۵۹	۰,۰۷۴		
	مجموع	۲۷,۴۵۷	۱۶۰	-		
مجموع	رگرسیون	۱۲۹,۹۰۷	۱	۱۲۹,۹۰۷	۱۱۰۹,۹۷۶	۰,۰۰۰
	میزان باقیمانده (خطا)	۷۴,۴۳۵	۶۳۶	۰,۱۱۷		
	مجموع	۲۰۴,۳۴۲	۶۳۷	-		

جدول (۶): جزئیات مربوط به ارتباط مدت زمان سکونت با شکل‌گیری هویت مکان در توسعه شهری جدید در قالب رگرسیون خطی (در مقیاس کل و به تفکیک شهرک‌های مورد مطالعه)

مطالعه موردی	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین (R Square)	ضریب تعیین تعدیل شده (A. R Square)	خطای معیار تخمین (SE)
شهرک دهکده المپیک	۰,۷۴۵	۰,۵۵۶	۰,۵۵۳	۰,۳۵۸۳۷
شهرک چشمه	۰,۸۰۱	۰,۶۴۱	۰,۶۳۹	۰,۳۷۸۶۷
شهرک راه‌آهن	۰,۸۱۴	۰,۶۶۳	۰,۶۶۱	۰,۲۷۴۹۷
شهرک صدرا	۰,۷۵۵	۰,۵۷۰	۰,۵۶۸	۰,۲۷۲۴۲
مجموع	۰,۷۹۷	۰,۶۳۶	۰,۶۳۵	۰,۳۴۲۱۰

- Challenge of Identity in New Towns.” Journal of HAFT-SHAHR 25, 26: 148-157.
- Azizi, Mohammad Mehdi, and Parsa Arbab. 2010. “Recognition and Evaluation of Identity Formation Process in New Towns.” Journal of Fine Arts (HONAR-HA-YE-ZIBA): Architecture and Urban Planning 42: 47-58.
 - Azizi, Mohammad Mehdi, and Parsa Arbab. 2012. “Study of the Identification and Sense of Place in New Environments.” Paper presented at the International Conference on Architecture and Design (INTERCAD), Vienna, October 17.
 - Behzadfar, Mostafa, and Ali Barin. 2008. “Organizing the Identity of Hashtgerd New Town.” Journal of SAKHT-E-SHAHR 10, 11: 11-24.
 - Brown, Gregory, and Christopher Raymond. 2007. “The Relationship between Place Attachment and Landscape Values: Toward Mapping Place Attachment.” Applied Geography 27: 89-111.
 - Budruk, Megha, and Sonja A. Wilhelm Stanis. 2013. “Place Attachment and Recreation Experience Preference: A Further Exploration of the Relationship.” Journal of Outdoor Recreation and Tourism 1-2: 51-61.
 - Castello, Lineu. 2010. Rethinking the Meaning of Place: Conceiving Place in Architecture-Urbanism. Translated by Nick Rands. Farnham: Ashgate.
 - Comstock, Nicole, L. Miriam Dickinson, Julie A. Marshall, Mah-J. Soobader, Mark S. Turbin, Michael Buchenau, and Jill S. Litt. 2010. “Neighborhood Attachment and its Correlates: Exploring Neighborhood Conditions, Collective Efficacy, and Gardening.” Journal of Environmental Psychology 30: 435-442.
 - Creswell, John W. 2009. Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches. London: Sage.
 - Creswell, John W. 2012. Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research. Boston: Pearson Education.
 - Daneshpour, S. Abdolhadi. 2000. “Rethinking the Sense of Identity in the Urban Public Spaces.” Ph.D. Thesis of Urban Planning, University of Tehran.
 - Daneshpour, S. Abdolhadi, Mansour Sepehri Moqaddam, and Maryam Charkhchian. 2011. “Explanation to Place Attachment and Investigation of its Effective Factors.” Journal of Fine Arts (HONAR-HA-YE-ZIBA):

نظریه‌ها، دیدگاه‌ها و نیز پژوهش‌های مورد استناد و هم در سطح تجربی و در ارتباط با مطالعه موردی، منطقه ۲۲ تهران، تأیید شده و مورد تأکید قرار گرفت، گویای آن است که احراز و تشخیص هویت مکان از نقطه نظر ساکنانی که به ویژه در یک توسعه شهری جدید سکونت خود را اختیار کرده‌اند، نیازمند زمان و فرصت است. این در حالی است که این ضرورت یا شرط لازم در عین حال نیازمند شرطی کافی مبنی بر برنامه‌ریزی و ارزیابی مستمر در خصوص هدایت، بسترسازی و اقدام در زمینه تسریع فرآیند مورد اشاره نیز می‌باشد. به این معنا، تمرکز بر تمامی ابعاد و جوانب مؤثر و دارای نقش، به ویژه معیارهای هشت‌گانه «آشنایی و شناخت»، «خوانایی و تشخیص»، «رضایت‌مندی»، «خودکارآمدی»، «تعامل اجتماعی»، «تناسب محیطی»، «دلبستگی» و «خاطره‌انگیزی» که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفت، در زمینه کم و کیف شکل‌گیری هویت مکان در توسعه شهری جدید و در بستر زمان مورد تأکید، ضروری و مهم است. نقش و جایگاه هر یک از این عوامل با توجه به عامل کلیدی مدت زمان سکونت، موضوعی قابل توجه است که می‌تواند در قالب طرح مسائلی خاص و تدقیق شده در این زمینه و در پژوهش‌های مرتبط، مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد. انجام مطالعات هدفمند با محوریت یک، چند یا تمامی معیارهای هشت‌گانه شناسایی شده و مورد توجه، با تمرکز بر چند سری و بازه زمانی مختلف مبتنی بر یک یا چند نمونه مطالعاتی خاص، محور قابل توجه دیگری است که در زمینه شکل‌گیری تحقیقات آتی و مطالعات بیشتر، با هدف تداوم، تکمیل و تدقیق یافته‌ها و دستاوردهای نظری و تجربی پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود.

References:

- Abu-Ghazze, Tawfiq M. 1999. “Housing Layout, Social Interaction, and the Place of Contact in Abu-Nuseir, Jordan.” Journal of Environmental Psychology 19: 41-73.
- Alexander, Christopher. 2007. The Timeless Way of Building. Translated by Mehrdad Qayyoomi Bidhendi. Tehran: Shahid Beheshti University.
- Aminzadeh, Behnaz. 2010. “Evaluation of Aesthetics and Place Identity.” Journal of HOVIAT-E-SHAHR 4(7): 3-14.
- Arbab, Parsa. 2009. “Recognition of the Identity Formation Process in New Towns: Strategies to Improve the Identification.” M.Sc. Thesis of Urban and Regional Planning, University of Tehran.
- Arbab, Parsa. 2012. “Study of the Identification and Sense of Place in New Environments.” Paper presented at the 2nd National Conference of Sustainable Development and Urban Construction, Isfahan, December 6.
- Azizi, Mohammad Mehdi, and Parsa Arbab. 2008. “The

and Place Attachment.” *Journal of Environmental Psychology* 24:439–454.

- Lalli, Marco. 1992. “Urban-Related Identity: Theory, Measurement, and Empirical Findings.” *Journal of Environmental Psychology* 12:285–303.
- Lengen, Charis, and Thomas Kistemann. 2012. “Sense of Place and Place Identity: Review of Neuroscientific Evidence.” *Health & Place* 18(5):1162–1171.
- Lewicka, Maria. 2010. “What Makes Neighborhood Different from Home and City? Effects of Place Scale on Place Attachment.” *Journal of Environmental Psychology* 30:35–51.
- Lobo, Caroline. 2004. “The Role of Environmental Perceptions in Sense of Place.” Ph.D. Thesis of Environmental Design and Planning, Arizona State University.
- Lynch, Kevin. 2002. *A Theory of City Form*. Translated by S. Hossein Bahraïny. Tehran: University of Tehran.
- Manzo, Lynne C. 2005. “For Better or Worse: Exploring Multiple Dimensions of Place Meaning.” *Journal of Environmental Psychology* 25:67–86.
- Miller, Delbert C., and Neil J. Salkind. 2002. *Handbook of Research Design and Social Measurement*. London: Sage.
- Mirmoghtadaei, Mahta. 2004. “The Criteria for Recognition and Evaluation of Physical Identity of the Cities.” *Journal of Fine Arts (HONAR-HA-YE-ZIBA)* 19:17–26.
- Mirmoghtadaei, Mahta. 2009. “The Criteria for Evaluation of Formation, Remembering and Recording of Collective Memory.” *Journal of Fine Arts (HONAR-HA-YE-ZIBA)* 37:5–16.
- Modiri, Atusa. 2008. “Place.” *Journal of HOVIAT-E-SHAHR* 2(2):69–79.
- Momeni, Mansour. 2009. *Statistical Analysis with SPSS*. Tehran: Ketab-e-No.
- National Cartographic Center of Iran. 1987. *Air Photo of the West of Tehran*. 18 28–30 and 19 32–34. 1:10000. Tehran: National Cartographic Center of Iran.
- Proshansky, Harold M. 1978. “The City and Self-Identity.” *Environment and Behavior* 10(2):147–169.
- Proshansky, Harold M., Abbe K. Fabian, and Robert Kaminoff. 1983. “Place-Identity: Physical World Socialization of the Self.” *Journal of Environmental*

Architecture and Urban Planning 38:37–48.

- Droseltis, Orestis, and Vivian L. Vignoles. 2010. “Towards an Integrative Model of Place Identification: Dimensionality and Predictors of Intrapersonal-Level Place Preferences.” *Journal of Environmental Psychology* 30:23–34.
- Falahat, Mohammad Sadegh. 2005. “The Role of the Physical Design in the Sense of Place of the Mosque.” *Journal of Fine Arts (HONAR-HA-YE-ZIBA)* 22:35–42.
- Falahat, Mohammad Sadegh. 2006. “The Concept of Sense of Place and its Constituent Elements.” *Journal of Fine Arts (HONAR-HA-YE-ZIBA)* 26:57–66.
- Google Earth 7.1. 2004, 2008 and 2013. District 22 of Tehran. 35°44'05.86"N, 51°12'35.95"E, elevation 4236 ft. <<http://www.google.com/earth>> (Accessed October 2013).
- Gustafson, Per. 2001. “Meanings of Place: Everyday Experience and Theoretical Conceptualizations.” *Journal of Environmental Psychology* 21,5–16.
- Habibi, S. Mohsen. 2005a. “Memoryless City as a Identityless City.” *Journal of New Towns (SHAHR-HA-YE-JADID)* 1–4:13–18.
- Habibi, S. Mohsen. 2005b. “New Towns: a Threshold for Originating the Collective Memory of the City.” Paper presented at the International Conference on New Towns, Tehran, May 2–6.
- Habibi, Rana Sadat. 2008. “Images and the Meaning of Place.” *Journal of Fine Arts (HONAR-HA-YE-ZIBA)* 35:39–50.
- Hull, R. Bruce, Mark Lam, and Gabriela Vigo. 1994. “Place Identity: Symbols of Self in the Urban Fabric.” *Landscape and Urban Planning* 28:109–120.
- Kalali, Parisa, and Atusa Modiri. 2013. “Explanation of the Role of Meaning Component in the Process of Creating the Sense of Place.” *Journal of Fine Arts (HONAR-HA-YE-ZIBA): Architecture and Urban Planning* 17(2):43–51.
- Knez, Igor. 2005. “Attachment and Identity as Related to a Place and Its Perceived Climate.” *Journal of Environmental Psychology* 25:207–218.
- Kyle, Gerard T., Andrew J. Mowen, and Michael Tarrant. 2004. “Linking Place Preferences with Place Meaning: An Examination of the Relationship between Place Motivation

- Nonparametric Statistical Methods. Translated by H. A. Niroumand. Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad.
- Statistical Center of Iran. 2013. General Population and Housing Census of 2011: Results of District 22 of Tehran. Tehran: Statistical Center of Iran.
 - Tehran Municipality. 2012. Statistics of Tehran in 2011. Tehran: Information and Communication Technologies Organization of Tehran Municipality.
 - Tehran Municipality. 2013. "The Portal of the Neighborhoods of Tehran." <<http://www.mytehran.ir>> (Accessed December 2013).
 - Tweed, Christopher, and Margaret Sutherland. 2007. "Built Cultural Heritage and Sustainable Urban Development." *Landscape and Urban Planning* 83: 62–69.
 - Twigger-Ross, Clare L., and David L. Uzzell. 1996. "Place and Identity Process." *Journal of Environmental Psychology* 16: 205–220.
 - Ujang, Norsidah. 2012. "Place Attachment and Continuity of Urban Place Identity." *Procedia—Social and Behavioral Sciences* 49: 156–167.
 - Wells, Jeremy C. 2009. "Attachment to the Physical Age of Urban Residential Neighborhoods: A Comparative Case Study of Historic Charleston and I'On." Ph.D. Thesis of Environmental Design and Planning, Clemson University.
 - Yin, Robert K. 2003. *Case Study Research: Design and Methods*. London: Sage.
 - Yin, Robert K. 2012. *Applications of Case Study Research*. London: Sage.
 - Zebardast, Esfandiari. 2002. "The Application of Analytic Hierarchy Process in Urban and Regional Planning." *Journal of Fine Arts (HONAR-HA-YE-ZIBA)* 10: 13–21.
 - Psychology 3: 57–83.
 - Qian, Junxi, Hong Zhu, and Yi Liu. 2011. "Investigating urban migrants' sense of place through a multi-scalar perspective." *Journal of Environmental Psychology* 31: 170–183.
 - Rapoport, Amos. 2005. *The Meaning of the Built Environment: A Nonverbal Communication Approach*. Translated by Farah Habib. Tehran: Urban Processing and Planning Company.
 - Raymond, Christopher M., Gregory Brown, and Delene Weber. 2010. "The Measurement of Place Attachment: Personal, Community, and Environmental Connections." *Journal of Environmental Psychology* 30: 422–434.
 - Relph, E. 2010. *Place and Placelessness*. Translated by Mohammadreza Noghsanmohammadi, Kazem Mandegari, and Zahir Motaki. Tehran: Armanshahr.
 - Rollero, Chiara, and Norma De Piccoli. 2010. "Place attachment, Identification and Environment Perception: An Empirical Study." *Journal of Environmental Psychology* 30: 198–205.
 - Seamon, David, and Jacob Spwers. 2008. "Place and Placelessness (1976): Edward Relph." In *Key Texts in Human Geography*, Edited by Phil Hubbard, Rob Kitchin, and Gill Valentine, 43–51. London: Sage.
 - Shamsuddin, Shuhana, and Norsidah Ujang. 2008. "Making Places: The Role of Attachment in Creating the Sense of Place for Traditional Streets in Malaysia." *Habitat International* 32: 399–409.
 - Sharestan Consultant. 2003. *District 22 of Tehran: Introduction and Urban Development Issues*. Tehran: Tehran Municipality.
 - Smaldone, David, Charles Harris, and Nick Sanyal. 2005. "An Exploration of Place as a Process: The Case of Jackson Hole, WY." *Journal of Environmental Psychology* 25: 397–414.
 - Smith, Jordan W., Mae A. Davenport, Dorothy H. Anderson, and Jessica E. Leahy. 2011. "Place meanings and desired management outcomes." *Landscape and Urban Planning* 101: 359–370.
 - Soini, Katriina, Hanne Vaarala, and Eija Pouta. 2012. "Residents' Sense of Place and Landscape Perceptions at the Rural–Urban Interface." *Landscape and Urban Planning* 104: 124–134.
 - Sprent, Peter, and Nigel C. Smeeton. 2007. *Applied*